مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال هفدهم، شمارهٔ ۱، بهار وتابستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۳۲

DOI: 10.22067/geography.v17i1.71339

بررسی الگوهای فضایی گردشگری روستایی و نقش آن در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) نقاط روستایی استان خراسان رضوی

مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
amirfakhriyan@yahoo.com
علیرضا معینی (پژوهشگر پژوهشکده گردشگری، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی،دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
alireza.moeini@mail.um.ac.ir

صص ۱۲٤ ـ ۹۱

چکیده

هدف: مطالعهٔ پیش‌رو بدنبال بررسی نقش الگوهای فضایی گردشگری با تأکید برگردشگری طبیعی و مذهبی بر میزان تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) در نواحی روستایی استان خراسان رضوی است. با توجه به تنوع محیط‌های روستایی و میزان بهره‌مندی متفاوت این نقاط از امکانات و خدمات، به منظور دستیابی به نتایج واقعی، ضروت انجام این ارزیابی، به تفکیک محیط‌های همگن احساس شد.
روش تحقیق: در ابتدا با بهره‌گیری از مدل‌های پشتیبانی فضایی چندمعیاره، اقدام به شناسایی خوشه‌های همگن روستایی شد که ماحصل آن شناسایی ۳ خوشهٔ همگن روستایی بود. در ادامه با بهره گیری از مدل‌های رگرسیونی لجستیک اقدام به معادله‌سازی در خصوص میزان اثرگذاری الگوهای فضایی گردشگری بر تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) در نقاط روستایی طی بازهٔ زمانی ۱۳۹۰-۱۳۷۵ شد.
یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی نشان داد که در شرایط کنونی الگوهای فضایی فوق بین ۰/۰۷ تا ۲/۳٪ در تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی استان اثر گذارند که بیانگر اثرپذیری کم آن‌ها در این خصوص است. از سوی دیگر این اثرگذاری در بین خوشه‌های همگن روستایی متفاوت است. به گونه‌ای که در روستاهای با امکانات کم، گردشگری مذهبی به تنهایی و گردشگری مذهبی و طبیعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹٦/۱۲/۰۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹

با یکدیگر و در روستاهای با امکانات بالا، گردشگری مذهبی به تنهایی توانسته است نقش مؤثری در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) نقاط روستایی استان داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: الگوهای فضایی گردشگری، استان خراسان رضوی، رگرسیون لجستیک ترتیبی.

۱. مقدمه

یکی از راهبردهایی که اخیراً در غالب کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته، توسعهٔ گردشگری در نواحی محرومی است که دارای پتانسیل‌های لازم برای صنعت گردشگری هستند (یاری حصار، مهدوی، حیدری‌ساربان و ابراهیمی، ۱۳۹٤، ص. ۱۸٦). تغییر و تحولات اجتماعی - اقتصادی و افزایش جمعیت و رشد فزایندهٔ شهرها از یک طرف و پیشرفت‌های اخیر در شبکهٔ حمل و نقل، فناوری و دیگر عناصر زندگی بشر، از سوی دیگر، به طور روز افزونی نیاز به گردشگری و استفاده از ایام فراغت را ایجاب می‌کند (قدیری معصوم و پازکی، ۱۳۸۹، ص.۱۳). در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، گردشگری در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی رشد سریعی را در قلمرو اقتصاد جهانی بدست آورده است (هارا[1]،۲۰۰۸، ص.۲۳۵) امروزه گردشگری به قدری در توسعهٔ اقتصادی – اجتماعی کشورها اهمیت یافته است که مدیران و برنامه‌ریزان همواره برای گسترش آن برنامه‌ریزی و تلاش می‌نمایند (سامانیان و بلالی، ۱۳۹۲، ص. ۱٦۲). گردشگری به عنوان یک پدیدهٔ پر رونق، توجه اغلب افراد در سر تا سر جهان را به خود جلب کرده و این پدیده هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین صنایع جهان است (بوهالیس[2]و کاستا[3]، ۲۰۰٦، ص. ۱) همچنین توسعهٔ این صنعت برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون نرخ بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک-محصولی مواجه هستند از اهمیت فراوانی برخوردار است (تقوایی، موسوی وغلامی بیمرغ، ۱۳۸۹، ص. ٤۰).

1. Hara
2. Buhalis
3. costa

گردشگری روستایی یکی از انواع صنعت گردشگری و از مردمی‌ترین اشکال آن محسوب می‌شود (قدیری معصوم و پازکی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳). گردشگری روستایی با قدمتی بیشتر از یک قرن، با ارائهٔ جذابیت و ایجاد تمایل در استفاده از فضا و ویژگی‌های محیط روستایی برای گردشگران و همچنین کارکردی جهت بهبود و ارتقای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی و زیست‌محیطی منطقهٔ میزبان مورد توجه بسیاری واقع شده است (خاتون آبادی و راست قلم، ۱۳۹۰، ص. ۳۳۱). به گونه‌ای که بسیاری می‌پندارند که توسعهٔ گردشگری راه حل بسیاری از مشکلاتی است که مناطق روستایی گرفتار آن می‌باشند (افتخاری، پورطاهری و مهدویان، ۱۳۹۰، ص. ۲۵). بر این اساس توسعهٔ گردشگری در مناطق روستایی، می‌تواند عنصری اساسی در بهبود استانداردهای زندگی مردم محلی به حساب آید (شریف‌زاده و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص.۵۳). مطالعات انجام‌شده در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که گردشگری روستایی به سرعت در اقتصاد روستایی رشد کرده و مکمل فعالیت‌های کشاورزی شده است (افتخاری و قادری، ۱۳۸۱، ص. ۷). این گردشگری یکی از زمینه‌های نسبتا تازه در توسعهٔ روستایی است که می‌تواند فرصت‌ها و امکاناتی را به‌ویژه برای اشتغال و درآمد روستایی فراهم سازد و نقش مؤثری در احیا و نوسازی نواحی روستایی ایفا کند (طالب، میرزایی، و بخشی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۹). در واقع گردشگری روستایی با توجه به ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی موجود در روستاها می‌تواند نقش مهمی در تجدید حیات، ایجاد اشتغال و درآمد برای روستاییان، حفاظت از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی و در نهایت توسعهٔ یکپارچه و پایدار روستایی داشته باشد (سوتریادس[1] و واروریسس[2]، ۲۰۰۹، ص. ۳۶)

از سوی دیگر رشد جمعیت در مناطق روستایی بدون سرمایه‌گذاری نظام‌مند در راستای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و متنوع‌سازی آن‌ها، به تخریب فزایندهٔ منابع طبیعی موجود منجر شده است. گذشته از این پیامد منفی، نرخ بالای بیکاری (پنهان و آشکار) در بخش تولیدات روستایی موجب مهاجرت به کلان‌شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی شده است (رضوانی و صفایی، ۱۳۸٤، ص. ۱۱۲). در این راستا یکی از ابزارهایی که می‌تواند نقش قابل

1. Soteriades
2. Varvaressos

توجهی در پیشرفت مناطق روستایی داشته باشد، گردشگری است. بـر طبـق گفتـه "گـانون[1]" توسعهٔ گردشگری در نواحی روستایی می‌تواند به کاهش یا از بین بـردن مشـکلات یـاد شـده کمک کند و زمینه‌ساز رشد اقتصادی، متنوع‌سازی اقتصاد روسـتایی، ایجـاد اشـتغال و درآمـد، کاهش مهاجرت‌های خارجی، امکان جمعیت‌پذیری و بهبود زیرساخت‌ها در منـاطق روسـتایی شود (هلند[2] و دیگران، ۲۰۰۳، ص. ۲)

گردشگری در نواحی روستایی، با توجه به قابلیت‌های هر مکان یا روسـتا دارای الگوهـای متفاوتی می‌باشد که شـامل گردشـگری سـبز، گردشـگری کشـاورزی، گردشـگری فرهنگـی، گردشگری تاریخی، اکوتوریسم، گردشگری مذهبی و گردشگری ماجراجویانه است (صـالحی فرد، ۱۳۸۹، ص. ۲). دو نوع از مهمترین انواع گردشگری روستایی شامل گردشگری طبیعـی و مذهبی است که نقش مهمی در رونق محیط روستایی ایفا می‌کند. برآوردهای صورت‌گرفته در اوایل قرن۲۱ نشان می‌دهد، گردشگری طبیعی تقریباً ۲۷ درصد از سفرهای بین‌المللی را شامل می شود. رشد تقاضا برای گردشگری طبیعت گرا سالانه با رشد ۱۰ ۳۰ درصـدی بـا توجـه بـه ویژگی های محلی گزارش شده که در مقایسه با رشد سالانهٔ تقاضا برای گردشگری که ۳ تـا ٤ درصد است، وضعیت بهتری را نشان می‌دهد (عینالی، جعفری و تبیره،۱۳۹۳، ص. ۱۹۲).

در این میان استان خراسان رضوی با بیش از ۳٦۰۰ نقطهٔ روسـتایی و جمعیتـی بـالغ ۱/٦٦ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰، از مهمترین استان‌های کشور در خصوص سکونت‌گاه‌های روستایی است. با این وجود طی سالیان اخیر جمعیت روستایی استان همـواره بـا کـاهش روبـرو بـوده است. علاوه بر این، بسیاری از نقاط روستایی در این مدت خالی از سکنه شده‌اند. نگـاهی بـه شبکهٔ سکونت‌گاهی استان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که طی دو دههٔ اخیر، جمعیت حاشـیه-نشین شهرهای بزرگ استان همچون مشهد، سبزوار و نیشابور به شدت افزایش یافته است. بـه گونه‌ای که در حال حاضر حدود یک سوم جمعیـت شـهری اسـتان را حاشـیه‌نشـینان شـهری تشکیل می‌دهند (مطالعات آمایش استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰). این در حالی است کـه پهنـهٔ طبیعی استان خراسان رضوی به دلیل وسعت و گسترش آن در عرض‌های مختلف جغرافیـایی

1. Gannon
2. Holland

دارای تنوع است. این تنوع، زمینه‌ساز بروز شکل‌یابی انواع گوناگونی از الگوهای استقرار نقاط روستایی و در ادامه سبب شکل‌گیری جاذبه‌های گردشگری در پهنه‌های روستایی استان شده است. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان این الگوها را در دو طبقهٔ جاذبه‌های مرتبط با محیط طبیعی و جاذبه‌های مرتبط با محیط غیر طبیعی جای داد. بدون شک ارزیابی اولیه از الگوهای فضایی گردشگری در نقاط روستایی استان، مستلزم شناسایی الگوهای یادشده در این نواحی است. به منظور ارائهٔ تصویر دقیقتر از این روستاها در استان و با توجه به اطلاعات موجود، این الگوهای فضایی در دو دستهٔ گردشگری طبیعی و گردشگری مذهبی - تاریخی قابل طبقه‌بندی است که در مجموع ۳۷ درصد از مجموع روستاهای استان را تشکیل می‌دهند(شامل ۱۳۰۰ روستا).

با توجه به مقدمهٔ فوق در خصوص کاهش جمعیت روستایی استان و افزایش نرخ مهاجرفرستی در نقاط روستایی از یکسو و وجود الگوهای فضایی گردشگری در ۳۷ درصد از نقاط روستایی استان از سوی دیگر، این سؤال اساسی مطرح است که الگوهای یادشده در نقاط روستایی در حال حاضر به چه میزان در تغییرات جمعیت روستایی نقش دارند؟ و به عبارتی آیا این دو الگوی فضایی در حال حاضر قادر بوده‌اند که اثر مستقیمی بر تغییرات جمعیت روستایی استان داشته باشند؟ و به طور کلی به چه میزان در افزایش یا کاهش جمعیت روستایی اثر گذار بوده‌اند؟ با عنایت به سؤال‌های تحقیق فرضیهٔ این مقاله به شرح ذیل قابل بررسی است:

به نظر می‌رسد الگوهای فضایی گردشگری روستایی در افرایش یا کاهش تغییرات جمعیتی روستاهای استان اثر گذار می‌باشند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

به شکل ویژه تاکنون مطالعه‌ای در خصوص میزان نقش الگوهای فضایی گردشگری در نواحی روستایی در تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی به انجام نرسیده است. با این حال، برخی از مطالعات صورت‌گرفته در این خصوص، ابعاد دیگری از گردشگری روستایی را مورد توجه قرار داده‌اند که اختصاراً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

خاموشی (۱۳۸٦) در پژوهشی با عنوان «توریسم روستایی، جاذبه‌ها و موانع گسترش مطالعه در روستاهای شهرستان صحنه» نشان داد که گردشگری روستایی باعث ایجاد تقاضا برای محصولات کشاورزی و صنایع دستی و مانع از مهاجرت می‌شود.

افتخاری و قادری (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان « نقش گردشگری در توسعهٔ روستایی» نشان می‌دهند که با توجه به تنوع زیست‌گاه‌های روستایی کشور و به رغم مشترک بودن مسائل و مشکلات، مانند بیکاری، مهاجرت، کمبود درآمد، پایین بودن سطح بهره وری و غیره، نمی‌توان راه حل واحدی برای رفع آن‌ها بیان کرد.

قهرمانی (۱۳۸۲) در پایان نامهٔ کارشناسی ارشد خود به بررسی آثار اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری بر توسعهٔ روستاهای مورد مطالعه پرداخته است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری اثر مثبت چندانی بر اقتصاد روستاها و محیط زیست منطقهٔ مورد مطالعه نداشته است؛ اما به لحاظ اجتماعی آثار آن به خوبی قابل مشاهده است.

عینالی، جعفری و تبیره (۱۳۹۳) در مطالعهٔ خود با عنوان «شناخت نقش اکوتوریسم در توسعهٔ سکونت‌گاه‌های روستایی دهستان اورامان تخت، از توابع شهرستان سروآباد» نشان می‌دهد که میانگین عددی همهٔ مؤلفه‌ها بالاتر از میانگین طیف لیکرت است و تفاوت همهٔ مؤلفه‌ها از مطلوبیت عددی مورد آزمون به شکل مثبت ارزیابی و برآورد شده است. علاوه بر این، نتیجهٔ تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که بیشترین میزان تأثیر مستقیم اکوتوریسم در ابعاد اقتصادی و کالبدی است و کمترین آن مربوط به مؤلفه‌های زیست‌محیطی است.

حاجی نژاد، پایدار، باقری و عبدی (۱۳۹٤) در مطالعهٔ خود «تدوین برنامهٔ راهبردی توسعهٔ گردشگری روستایی ایران» با استفاده از انجام مراحل کمی و کیفی (QSPM) در تکنیک SWOT، به تعیین نقاط قوت، ضعف فرصت‌ها و تهدیدهای موجود برای توسعهٔ گردشگری روستایی ایران و به طور خاص در روستای دلفارد پرداخته‌اند.

افتخاری و مهدوی (۱۳۸۵) در مطالعهٔ خود «راهکارهای توسعهٔ گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT» راهکارهای توسعهٔ گردشگری روستایی دهستان لواسان کوچک را با استفاده از مدل سوات بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که آستانهٔ آسیب‌پذیری نقاط روستایی به

علت گردشگر پذیر بودن، بسیار بالاست و نیازمند بازنگری و ارائهٔ سیاست مناسب در جهت رفع محدودیت‌ها و استفاده از مزیت‌های نسبی محدود است.

کیم[1] (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «مدل‌سازی تقاضای گردشگری روستایی» نقش گردشگری را به عنوان محرکی برای از بین بردن مشکلات اقتصادی در جامعهٔ روستایی کره مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که دولت و بازار نقش مهمی در مشارکت برنامه‌های توسعهٔ گردشگری در روستاهای این کشور دارند.

دلاتورا[2]، هرروس[3] و فرناندز[4] (۲۰۱۲) در پژوهش گردشگری روستایی به عنوان گزینه‌ای برای توسعه و اشتغال‌زایی، به بررسی روند توسعهٔ گردشگری روستایی در اسپانیا می‌پردازد.

ملاحظه می‌شود که مطالعه‌ای در خصوص میزان نقش الگوهای فضایی گردشگری در نواحی روستایی در تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی به انجام نرسیده است. تفاوت روشنی که این تحقیق با سایر مطالعات صورت‌گرفته در زمینهٔ گردشگری دارد این که توانسته است علاوه بر نمایش الگوهای فضایی گردشگری طبیعی و مذهبی در سطح استان خراسان رضوی به بررسی تغییرات جمعیتی(افزایش یا کاهش) تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) در نقاط روستایی طی بازه زمانی ۱۳۹۰–۱۳۷۵ بپردازد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

با توجه به سؤال و فرضیه‌های تحقیق، شیوهٔ مطالعه، ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی خواهد بود. برای این منظور ضمن تنظیم چارچوبی جهت مدل مفهومی تحقیق، این مهم در سه مرحله به شرح زیر به انجام رسید. مرحلهٔ اول، در خصوص شاخص ترکیبی محرومیت، اقدام به شناسایی دو دسته شاخص‌های مرتبط با آن همچون ویژگی‌های موقعیتی روستا (شامل سه متغیر) و امکانات و خدمات موجود در روستا شامل(۷ متغیر)، خوشه‌های همگن روستایی تعیین شد. در این راستا ضمن بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی و

1. Kim
2. De la Torre
3. Herreros
4. Fernández

ایجاد پایگاه اطلاعات مکانی برای کلیهٔ نقاط روستایی استان از شاخص‌های یاد شده، با استفاده از مدل‌های تصمیم گیری فضایی چند معیاره، روستاها از نظر شاخص‌های مورد نظر رتبه‌بندی شد. مرحلهٔ دوم، با استفاده از مدل تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای، خوشه‌بندی روستاهای استان و تعیین خوشه‌های همگن روستایی به انجام رسید. هدف از این شناسایی در واقع یکسان‌سازی نسبی میزان محرومیت برای هریک از نقاط روستایی و شناسایی دقیق‌تر میزان اثرگذاری الگوهای فضایی گردشگری در هر یک از خوشه های همگن روستایی بوده است. در مرحلهٔ سوم و پس از تعیین و شناسایی خوشه‌های همگن روستایی و طبقه‌بندی آن-ها در سه خوشهٔ همگن، متغیرها در دو دستهٔ متغیر مستقل و وابسته به منظور شناسایی میزان اثرگذاری الگوهای فضایی گردشگری تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی معادله‌سازی شد[۱]. در این راستا ضمن بهره‌گیری از روش رگرسیون لجستیک ترتیبی و انتخاب وجود یا عدم وجود الگو فضایی گردشگری (گردشگری طبیعی و مذهبی) در نقاط روستایی به عنوان متغیر مستقل و نرخ رشد جمعیت روستایی طی دورهٔ زمانی ۱۳۹۰-۱۳۷۵ در قالب ۵ طبقه (نرخ رشد بالای ۳٪، ۲/۹۹٪ تا ۱٪، ۹۹٪+ تا ۹۹٪-، ۱- تا ۲/۹۹٪-و بیش از ۳٪-) به عنوان متغیر وابسته، سعی شد تا میزان این رابطه شناسایی و تأیید شود (شکل ۱). در نهایت از کنار هم گذاشتن نتایج حاصل از هر بخش، جمع‌بندی نهایی ارائه شد.

۳. ۱. معرفی مدل‌های مورد استفاده

الف- مدل سیستم پشتیبانی فضایی چندمعیاره (MC-SDSS[۲])

این مدل ترکیبی از روش‌های چند معیارهٔ تصمیم‌گیری و سیستم اطلاعات جغرافیایی است. در این مدل کاربر می‌تواند بهترین راه‌حل‌های جایگزین را تعریف کند و آن را با موقعیت جغرافیایی آن ارتباط دهد. این ارتباط تنگاتنگ به محقق، بینش ویژه‌ای می‌دهد تا بهترین تصمیم را در بهترین زمان اتخاذ کند. مهمترین نقش MC-SDSS سر وکار داشتن با سختی‌ها و مشکلاتی است که تصمیم سازی انسانی را با مشکل مواجه می‌سازد که اتفاقاً با هزینه‌های زیادی نیز مواجه می‌شوند. این ارزیابی به وسیلهٔ دو تکنیک SAW (وزن‌دهی افزایشی ساده)

---

۱. منظور از تغییرات جمعیتی روستایی در این مطالعه، افزایش و کاهش مطلق جمعیت روستایی است.

2. Multiple criteria spatial decision support system

و Topsis انجام می‌شود. با استفاده از این روش، ارزش‌های اولویت‌دار برای هر جایگزین احتمالی از طریق ویژگی‌های چندگانه در داخل سیستم اطلاعات جغرافیایی محاسبه می‌شود. ارجحیت این‌روش نسبت به سایر روش‌های تحلیل چند معیاره، در حقیقت فضایی کردن تصمیمات است. این روش به طور کلی موضوعات تحلیلی عددی را به یک ماتریس کاربردی در دو مرحله: نمره‌دهی و وزن‌دهی عملی می‌سازد. در مرحلهٔ نمره‌دهی نتیجهٔ مورد انتظار از هر گزینه در قالب یک نمرهٔ عددی مشخص می‌شود. گزینه‌های دارای اهمیت بیشتر، دارای نمرهٔ بالاتر و گزینه‌های دارای اهمیت کمتر، نمرهٔ کمتری می‌باشند. در مرحلهٔ وزن دهی، وزن-های عددی برای تعریف و تغییرات نسبی بین حد بالا و پایین مقیاس انتخاب شده برای هر معیار مشخص می‌شوند (اکبری ،۱۳۷۸، ص. ۱۷۱).

ب- تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای

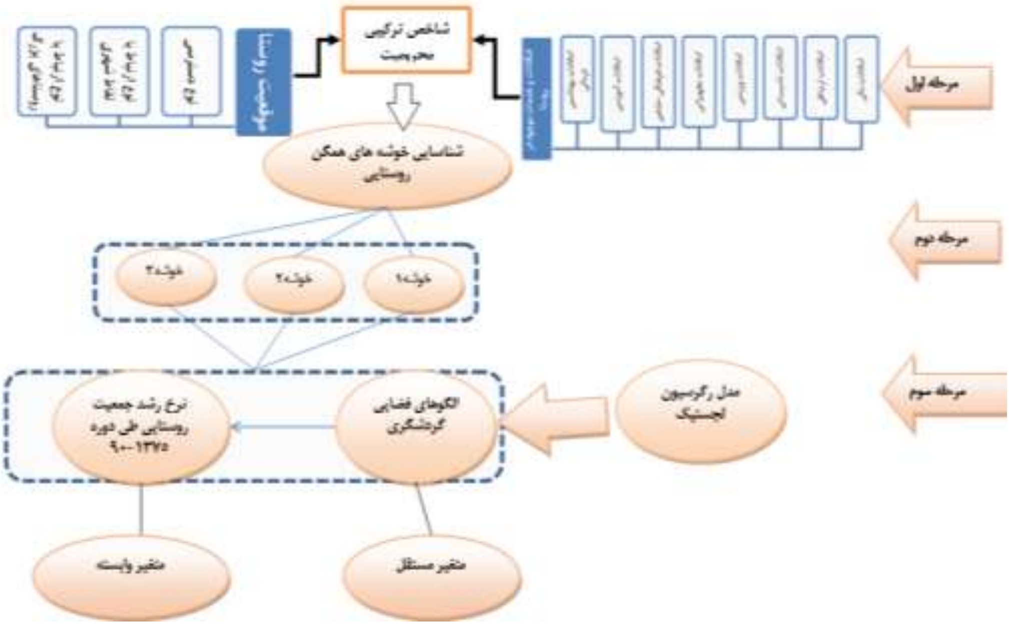
تحلیل خوشه‌ای را می‌توان همراه با روش تحلیل تشخیصی، به عنوان یکی از متداول‌ترین روش‌های طبقه‌بندی نامید. هدف اصلی تحلیل خوشه‌ای که به عنوان تحلیل بخش‌بندی یا تحلیل تاکسونومی /طبقه بندی نیز خوانده می‌شود، این است که زیر گروه‌های همگن از پاسخ‌گویان را شناسایی کند. به عبارتی، تحلیل خوشه‌ای در صدد است تا مجموعه‌ای از گروه‌ها را شناسایی کند که از این طریق بتوان از یک طرف تفاوت‌های درون‌گروهی را به حداقل رساند و از طرف دیگر تفاوت‌های بین گروهی را به حداکثر رساند.

تحلیل خوشه‌ای انواع متعددی دارد. یکی از مهمترین روش‌ها، تحلیل خوشه‌ای دو مرحله-ای است که صحیح‌ترین شناسایی از خوشه‌ها را ارائه می‌دهد این روش هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عملاً با حجم بسیاری از داده‌ها سر و کار داریم.

در این روش خوشه‌ها از قبل تشکیل می‌شوند و سپس همین خوشه‌هایی که از قبل تشکیل شده‌اند، خوشه‌هایی جدید را می‌سازند. به عبارتی، خوشه‌های جدید از دل خوشه‌های قبلی تشکیل می‌شوند. از دیگر مزیت‌های مهم این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قابلیت استفاده برای متغیرهای پیوسته و ناپیوسته
- تعیین خودکار تعداد مطلوب خوشه‌ها.

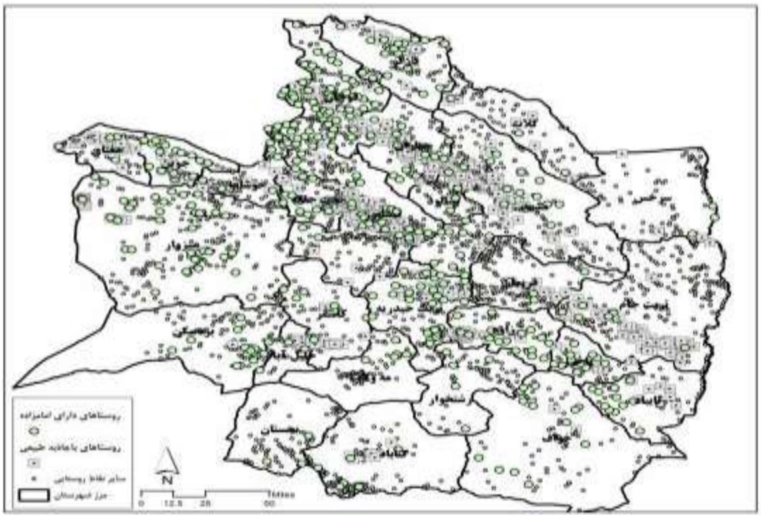
تحلیل خوشه‌ای دومرحله‌ای هم برای متغیرهای پیوسته (فاصله‌ای و نسبی) و هم برای متغیرهای طبقه‌بندی شده (اسمی و ترتیبی) قابل استفاده است (کرم پور و صفری، ۱۳۹۱، ص. ۷۷٦).



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

ماخذ: نگارندگان،۱۳۹۷

جامعهٔ آماری در این مطالعه شامل تمامی نقاط روستایی استان خراسان رضوی بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ می‌باشند که شامل ۳۵۷۱ نقطهٔ روستایی است که در این میان بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران تعداد ۳۹۰ روستا دارای بعقهٔ امام زاده‌اند که به نوعی بیانگر الگوی فضایی گردشگری مذهبی روستایی به شمار می‌آیند. همچنین، بر اساس مطالعات انجام‌شده در برنامهٔ آمایش استان خراسان در سال ۱۳۹۲، تعداد ۹۵۲ روستا به عنوان نقاط روستایی دارای الگوی فضایی گردشگری طبیعی هستند. بنابراین، بر این اساس می توان گفت ۳۹۰ نقطه به عنوان روستاهای دارای گردشگری مذهبی و ۹۵۲ نقطه نیز به عنوان روستاهای دارای گردشگری طبیعی به شمار می‌آیند که در مجموع جامعهٔ آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهد. نقشهٔ زیر بیانگر موقعیت این روستاها در استان خراسان رضوی است.



شکل ۲- پراکنش روستاهای دارای جاذبه گردشگری در استان خراسان رضوی

مأخذ: نگارندگان،۱۳۹۷

٤. مفاهیم و مبانی نظری

در فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات منطقه‌ای به حساب آورد (طالب، میرزایی و بخشی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۲۸).

شوینسبرگ[1] به نقل از دپارتمان ملی گردشگری استرالیا، گردشگری روستایی را چنین تعریف می‌کند: «گردشگری روستایی فعالیتی چند بعدی است که در محیط‌های خارج از نواحی شهری رخ می‌دهد و بازدید از پدیده‌هایی که ماهیت زندگی در حومه‌ها را به نمایش می‌گذارد مربوط می شود» (سازبو[2]،۲۰۰۵، ص. ۱۸۰). در مجموع گردشگری روستایی را به عنوان ابزاری کارآمد در جهت جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی، افزایش بهره‌وری و کارآمدی نیروی انسانی، اشتغال‌زایی، تعامل فرهنگ‌ها، حفظ محیط زیست و در نهایت توسعهٔ روستایی می‌دانند (افتخاری و قادری، ۱۳۸۱، ص. ۲٤). می‌توان انواع گوناگونی از گردشگری

1. Schweinsberg
2. Szabo

روستایی را برشمرد که با توجه به اهداف گردشگری و بر اساس شرایط فرهنگی، اقلیمی و اقتصادی نواحی روستایی شکل می‌گیرد (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸، ص. ٥٦).

بیشتر صاحبنظران، اکوتوریسم را به عنوان یکی از اشکال عمدهٔ گردشگری و گردشگری روستایی دسته‌بندی کرده‌اند (رضوانی ، ۱۳۸۲، ص. ۱۱٦). اکوتوریسم شکلی از گردشگری در دوران پست مدرنسیم است که در پی شکل گیری مفاهیمی چون توسعهٔ پایدار، در محافل علمی مطرح شده است که با توجه به ظرفیت‌های آن می‌تواند فرصت توسعهٔ روستایی را در همهٔ ابعاد ایجاد کند (هاشمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۹). به عقیدهٔ برخی از صاحب نظران، سابقهٔ کاربرد واژهٔ اکوتوریسم به اواخر دههٔ ۱۹۷۰ میلادی بر می‌گردد. در حالی که برخی دیگر استفاده از آن را به اواخر دههٔ ۱۹۸۰ نسبت می‌دهند، اما به شکل منسجم این مفهوم از سال ۱۹۸۰ با ظهور پارادایم پایداری، در گفتمان توسعه و آثار منفی گردشگری بر طبیعت و محیط اجتماعی توسعه یافته است (فنل، ۱۳۸۵، ص. ٤۹). این شکل از گردشگری فعالیت‌های فراغتی انسان را عمدتا در طبیعت امکان‌پذیر می‌سازد و مبتنی بر مسافرت‌های هدفمند توام با برداشت‌های فرهنگی، معنوی، دیدار از جاذبه‌های طبیعی و مطالعهٔ آن‌ها و بهره گیری و لذت-جویی از پدیده‌های متنوع طبیعت است و تأکید زیادی بر حفاظت از ارزش‌ها و جاذبه‌های طبیعی دارد (جیانگ[1]، ۲۰۰۸، ص.۲۱). از سوی دیگر با توجه به وجود بسیاری از مکان‌های متبرکه در نواحی روستایی کشور، گردشگری مذهبی نیز یکی از الگوهای مهم گردشگری در نواحی روستایی محسوب می‌شود (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲، ص.۱۱). گردشگری مذهبی که ریشه در باورها و اعتقادات دینی مذهبی دارد به مفهوم تخصصی، خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی در شکل گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم‌انداز فرهنگی است (تقوایی، موسوی و غلامی بیمرغ، ۱۳۸۹، ص. ۳۷). در مجموع گردشگری مذهبی را می‌توان گونه‌ای از گردشگری دانست که شرکت‌کنندگان در آن دارای انگیزه‌های مذهبی منحصراً و یا به صورت ترکیب با سایر انگیزه‌ها هستند که از مکان‌های مقدس نظیر کلیساها، مساجد، مقبره‌ها، امامزاده‌ها و مانند آن بازدید می‌کنند

1. Jiang

(مایر[1]،۲۰۰۴، ص. ۱۵). امروزه گردشگری مذهبی با همهٔ اجزا و گونه‌های مختلف آن، به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص، توانسته است خود را در متن گردشگری جهانی جای دهد؛ به طوری که حوزهٔ نفوذ آن سراسر جهان را فراگرفته است (نولان[2]،۲۰۰۸، ص.۶۷).

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. ارزیابی اجمالی از نقاط و جمعیت روستایی استان خراسان رضوی

براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت استان خراسان رضوی بالغ بر ۵۹۹۴۳۴۶ نفر است که از این میزان ۴۳۱۱۲۱۰ نفر (۷۱/۹درصد) در نواحی شهری، ۱۶۸۲۴۰۵ نفر (۲۸/۰۷درصد) در نواحی روستایی و ۷۳۱ نفر(۰/۰۱۲ درصد) نیز به صورت غیرساکن بوده‌اند. همچنین، در این سال تعداد نقاط روستایی استان بالغ بر ۳۵۷۱ نقطهٔ روستایی است که این رقم در سال ۱۳۸۵ شامل ۳۶۰۹ روستا بوده است. در طی این مدت ۳۲ روستا به داخل محدودهٔ شهری وارد شده‌اند و ۶ روستا نیز به جایگاه شهر ارتقا یافته‌اند. جدول زیر بیانگر این موضوع است.

جدول ۱- نقاط روستایی استان بر اساس تعداد، جمعیت کل، میانگین جمعیت و درصد رشد ۱۳۸۵-۹۰

مأخذ: سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق

دورهٔ آماری	میانگین جمعیت(نفر)	تعداد نقاط روستایی	مجموع جمعیت(نفر)	میانگین درصد رشد ۵ساله
سال ۱۳۸۵	۴۸۲	۳۶۱۰	۱۷۴۱۰۳۹	۵/۴۲
سال ۱۳۹۰	۴۶۲	۳۵۷۱	۱۶۶۶۸۷۱	

۵. ۲. ارزیابی الگوهای فضایی گردشگری در نقاط روستایی استان خراسان رضوی

پهنهٔ طبیعی استان خراسان رضوی به دلیل وسعت و گسترش آن در عرض‌های مختلف جغرافیایی دارای تنوع گسترده است. این تنوع، زمینه‌ساز بروز گوناگونی از الگوهای استقرار نقاط روستایی و در ادامه سبب شکل گیری جاذبه‌های گردشگری در نقاط روستایی استان شده است. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان این الگوهای فضایی را در دو طبقهٔ جاذبه-

1. Meyer
2. Nalon

های مرتبط با محیط طبیعی و جاذبه‌های مرتبط با محیط غیر طبیعی قرار داد. بدون شک ارزیابی اولیه از الگوهای فضایی گردشگری در نقاط روستایی استان مستلزم شناسایی این الگوها در این نواحی است. به منظور ارائهٔ تصویر دقیق‌تر از این روستاها در استان و با توجه به اطلاعات موجود، این الگوهای فضایی، در دو دستهٔ الگوهای گردشگری طبیعی و الگوهای گردشگری مذهبی- تاریخی، قابل طبقه‌بندی است[۱] که به تفکیک به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

۱-الگوی فضایی گردشگری مذهبی در نقاط روستایی: براساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ از مجموع نقاط روستایی استان، ۳۹۰ روستا شامل ۱۰/۸ درصد از کل نقاط روستایی دارای بقعه امامزاده می‌باشند که به نوعی قابلیت گردشگری مذهبی و تاریخی نقاط روستایی استان را نشان می‌دهد. جمعیت ساکن در این روستاها در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۳۰۶۳۳۵ نفر می‌باشد که شامل ۱۸,٤ درصد از کل جمعیت روستایی استان است. میانگین جمعیت این روستاها در این سال بالغ بر ۷۸۵ نفر است که در مقایسه با میانگین جمعیت روستایی استان در این سال که برابر با ٤٦۲ نفر است، رقم بالاتری را نشان می‌دهد که به نوعی بیانگر جایگاه برتر این روستاها در پذیرش جمعیت روستایی استان در مقایسه با سایر روستاهاست. مقایسهٔ این جمعیت در سال ۱۳۸۵ نمایانگر افزایش نقش این روستاها در پذیرش جمعیت روستایی استان (از ۱۷/۷٪ در سال ۱۳۸۵ به ۱۸/٤٪ در سال ۱۳۹۰) و کاهش میانگین جمعیت این روستاها (از ۷۸۹ نفر به ۷۸۵ نفر) می‌باشد (جدول ۲).

۱. ویژگی‌های دیگری از جاذبه‌های گردشگری روستایی در استان خراسان رضوی نیز قابل شناسایی است که می‌توان برای آن اقدام به دسته‌بندی جاذبه‌های نقاط روستایی کرد، .اما در حال حاضر اطلاعات موثق و دقیقی از این ویژگی‌ها در دست نیست. بنابراین، تنها می توان به دو دسته از جاذبه‌های گردشگری همچون جاذبه‌های طبیعی و مذهبی اشاره کرد که اطلاعات مربوط به آن‌ها از دو دسته منبع آماری معتبر قابل اندازه‌گیری است. اول اطلاعات مرکز آمار ایران در بارهٔ سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ در مناطق روستایی که وجود یا عدم وجود جاذبه‌های گردشگری مذهبی را به تفکیک نقاط روستایی مشخص کرده است و دوم اطلاعات مربوط به توان اکولوژیکی استان خراسان رضوی که براساس مطالعات صورت گرفته در آمایش استان خراسان رضوی (۱۳۹۲) و تعیین پهنه‌های مناسب جهت گردشگری طبیعی یا اکو توریسم قابل دستیابی است.

جدول ۲- جایگاه روستاهای گردشگری مذهبی از نظر درصد جمعیت و میانگین جمعیت روستایی طی دوره زمانی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

مأخذ: سرشماری مرکزآمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق

دورهٔ آماری	میانگین جمعیت(نفر)	تعداد روستا	جمعیت(نفر)	درصد تعداد	درصد جمعیت
سال ۱۳۹۰	۷۸۵	۳۹۰	۳۰۶۳۳۵	۱۰/۸	۱۸/٤
سال ۱۳۸۵	۷۸۹	۳۹۰	۳۰۷۷۰۷	۱۰/۸	۱۷/۷

۲-الگوی فضایی گردشگری طبیعی: براساس مطالعات صورت‌گرفته در برنامهٔ آمایش استان خراسان رضوی و براساس مدل اکولوژیک پایدار استان (۱۳۹۲)، تعداد ۹۵۲ روستا با جمعیتی معادل ٥٤۲۷۸٦ نفر، دارای قابلیت گردشگری طبیعی می‌باشند که این تعداد به ترتیب ۲٦/٤ درصد از نقاط و ۳۲/٥٦ درصد از جمعیت روستایی استان را در سال ۱۳۹۰ شامل می‌شود. این روستاها از نظر شاخص میانگین جمعیت در سال ۱۳۹۰، رقمی معادل ٥۷۰ نفر را نشان می‌دهند که رقمی بالاتر از میانگین جمعیت روستایی استان است. هر چند که در مقایسه با روستاهای دارای الگوی گردشگری مذهبی، رقم پایینتری را نشان می‌دهند. بررسی وضعیت این روستاها در سال ۱۳۸۵ و مقایسهٔ آن با آمار سال ۱۳۹۰ نیز بیانگر کاهش نقش آن‌ها از نظر شاخص میانگین جمعیت روستایی و افزایش نقش آن‌ها در پذیرش جمعیت روستایی استان است (جدول ۳).

جدول ۳- جایگاه روستاهای دارای الگوی فضایی گردشگری طبیعی از نظر درصد جمعیت و میانگین جمعیت روستایی طی دورهٔ زمانی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

مأخذ: سرشماری مرکزآمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق

دورهٔ آماری	میانگین جمعیت(نفر)	تعداد روستا	جمعیت(نفر)	درصد تعداد	درصد جمعیت
سال ۱۳۹۰	٥۷۰	۹٥۲	٥٤۲۷۸٦	۲٦/٤	۳۲/٦
سال ۱۳۸۵	٥۸۱	۹٥۲	٥٥۳۰۷۸	۲٦/٤	۳۱/۸

با توجه به مطالب عنوان شده، این سؤال اساسی مطرح است که این دو الگو (گردشگری مذهبی و طبیعی) در نواحی روستایی به چه میزان در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) آن‌ها اثر گذار است؟ برای پاسخگویی به این سؤال و تبیین نقش این دو الگو در تغییرات

جمعیتی (افزایش یا کاهش) در نقاط روستایی، با توجه به وسعت بالای استان، تعداد زیاد روستاها، تنوع محیط و میزان برخورداری نقاط روستایی از امکانات و خدمات، ضروری است در ابتدای امر نسبت به شناسایی سطوح همگن روستایی در استان اقدام شود تا از این رهگذر نقش کاملتری از جایگاه این دو الگو در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) جمعیت آن‌ها حاصل آید؛ چرا که در چنین شرایطی می‌توان با حذف عامل میزان برخورداری سکونت‌گاه‌ها از امکانات و خدمات، به نقش این دو الگوی گردشگری در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستاها پی برد. در این مطالعه، ملاک تعیین مجموعهٔ همگن، شاخص ترکیبی توسعه/محرومیت، در نظر گرفته شده‌است. بنابراین، در ادامه ضمن بهره‌گیری از دو دسته عوامل تأثیرگذار همچون وجود یا عدم وجود انواع امکانات و خدمات در نقاط روستایی و همچنین موقعیت نقاط روستایی اقدام به شناسایی سطوح همگن روستایی خواهد شد و در ادامه به بررسی نقش الگوهای فضایی گردشگری مذهبی و طبیعی در هر سطح، در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) نقاط روستایی می‌شود.

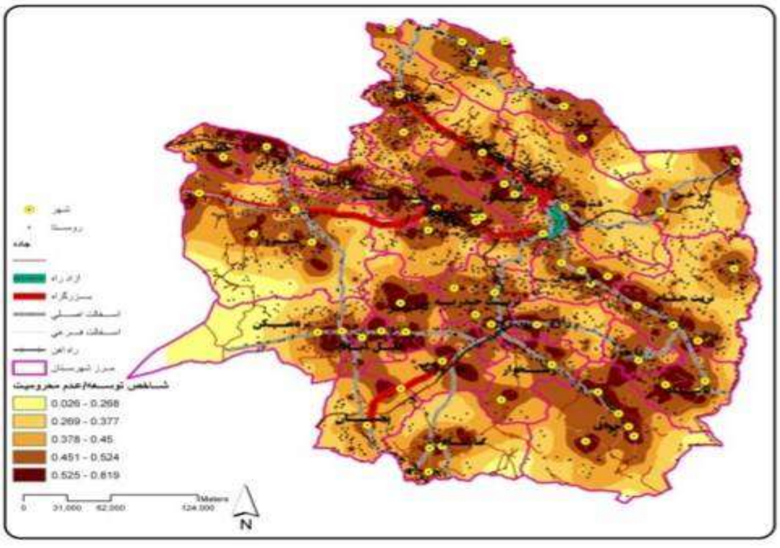
۵. ۳. شناسایی و انتخاب سطوح همگن روستایی در استان

این شناسایی در سه مرحله و به صورت زیر انجام شده است.

انتخاب شاخص‌ها: همانطور که عنوان شد در این مطالعه با بهره‌گیری از شاخص‌هایی نظیر امکانات و خدمات موجود در هر روستا و همچنین موقعیت هر روستا اقدام به طبقب-ندی سکونت‌گاه‌های روستایی از نظر شاخص توسعه/محرومیت، شده است. این شاخص‌ها شامل ۱) امکانات و خدمات موجود در روستا شامل: امکانات بهداشتی، درمانی، آموزشی، فرهنگی، مذهبی، تجهیزات، ورزشی، تأسیساتی، ارتباطات، مالی و غیره است ۲- موقعیت روستا: شامل دسترسی آن به مسیرهای ارتباطی مهم و عمده، موقعیت آن نسبت به مناطق شهری، موقعیت آن نسبت به سطوح برتر خدمات‌رسانی و موقعیت جغرافیایی می‌باشد. ملاک انتخاب شاخص‌ها، میزان دسترسی و موجود بودن اطلاعات است. برای این منظور اقدام به تشکیل پایگاه اطلاعات داده، در سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS) برای هر یک از نقاط روستایی شد. در این پایگاه ضمن وارد کردن اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، وضعیت هر یک از نقاط روستایی در خصوص امکانات و خدمات موجود مشخص گردید. همچنین، در

این پایگاه با بهره‌گیری از لایه‌های اطلاعاتی دیگر نظیر لایۀ اطلاعاتی راه، نقاط شهری استان، روستاهای بزرگ و استفاده از توابع آماری فضایی نظیر"Point Distance" موقعیت هر روستا با راه‌های ارتباطی، نقاط شهری و روستاهای بزرگ و سطوح برتر خدمات‌رسانی مشخص شد.

۲) تعیین درجۀ توسعه/محرومیت: به منظور تعیین درجۀ توسعه/محرومیت روستاها براساس شاخص‌های فوق، از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیارۀ فضایی استفاده شد که در نتیجۀ آن ضمن بهره‌گیری از شاخ‌های فوق و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، اقدام به تعیین درجۀ توسعه/محرومیت روستاهای استان شد. ترکیب شاخص‌ها با یکدیگر و تعیین درجۀ توسعه/محرومیت بر پایۀ مدل تاپسیس (به عنوان یکی از مهمترین مدل‌های تصمیم‌گیری) در سیستم اطلاعات جغرافیایی و نمایش خروجی آن به صورت نقشه بوده است. شاخص ترکیبی به دست آمده بین صفر و یک می باشد که اعداد نزدیک به یک بیانگر عدم محرومیت بالاتر و سطح توسعۀ مناسب و اعداد نزدیک به صفر بیانگر درجۀ محرومیت بیشتر و سطح توسعه نامناسب است (شکل ۳).



شکل ۳- درجه‌بندی میزان محرومیت نواحی روستایی استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

۳) خوشه‌بندی روستاها و تعیین روستاهای همگن (سطوح همگن): در نهایت با استفاده از مدل خوشه‌بندی دو مرحله‌ای، شاخص ترکیبی به دست آمده از مرحلهٔ قبل، در سه دستهٔ محرومیت بالا، متوسط و کم، طبقه بندی شد.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از مجموع نقاط روستایی استان، ۲۱٪ از روستاها امکانات ضعیفی دارند و ۲۵/۲٪ نیز از امکانات مناسبی برخوردار هستند. در مجموع در سال ۱۳۹۰ ، ۱۷/۷٪ از جمعیت روستایی استان در روستاهای دستهٔ اول (سطح برخورداری ضعیف)و ۳۸/۷٪ نیز در روستاهای دستهٔ سوم(سطح برخورداری مناسب) استقرار دارند (جدول ٤).

جدول ٤-سطوح همگن روستایی و میزان تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) آن طی دورهٔ زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۵

مأخذ: :سرشماری مرکزآمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق

سطح همگنی و برخورداری	فراوانی		جمعیت ۱۳۸۵			جمعیت ۱۳۹۰			میانگین نرخ رشد
	تعداد	درصد	میانگین(نفر)	جمعیت(نفر)	درصد	میانگین(نفر)	جمعیت(نفر)	درصد	
ضعیف	۷۸٤	۲۱/۷	۳٦٦	۲۸۷۲۸۲	۱٦/۵	۳۷۷	۲۹۵۵۸۹	۱۷/۷	-٦/۲۵
متوسط	۱۹۱۳	۵۳/۱	٤۱۵	۷۹۳۷۲۷	٤۵/٦	۳۸۰	۷۲٦۰۹۹	٤۳/٦	-۵/۸۲
خوب	۹۰۹	۲۵/۲	۷۲٦	٦۵۹۹۳۵	۳۷/۹	۷۱۰	٦٤۵۰۷۳	۳۸/۷	-٤/۰٤

۵. ٤. بررسی میزان تغییرات جمعیت (افزایش یا کاهش) سطوح همگن روستایی استان با توجه به الگوهای فضایی گردشگری

همانطور که در بالا نیز اشاره شد، با توجه به اطلاعات در دسترس، روستاهای استان را می‌توان در دو دسته روستاهای با الگوهای فضایی گردشگری مذهبی و طبیعی طبقه‌بندی کرد. توجه به تغییرات جمعیتی نقاط روستایی، به تفکیک الگوهای فضایی گردشگری روستایی می‌تواند بخش مهمی از نقش‌آفرینی این الگوها را در تغییرات (افزایش یا کاهش)جمعیت روستایی استان به نمایش بگذارد. در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

سطح یک (روستاهای با سطح برخورداری کم): از مجموع روستاهای واقع در این سطح، ۷/۳٪ نقاط روستایی، دارای گردشگری مذهبی، و ۱۲/۹٪ دارای گردشگری طبیعی و ۱/۳٪

نیزدارای مجموع هر دو الگوی گردشگری مذهبی و طبیعی هستند. در مقابل ۷۸/۶٪ روستاها نیز فاقد الگوی گردشگری در این سطح می‌باشند (جدول ۵).

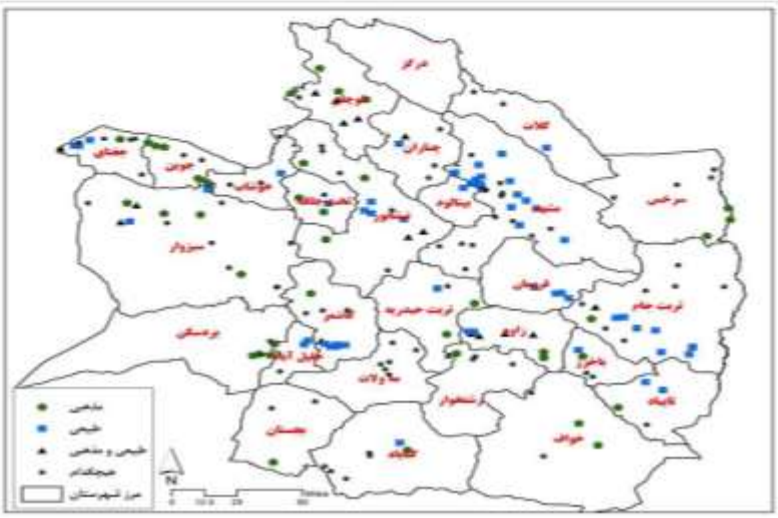
جدول ۵- الگوهای فضایی گردشگری در روستاهای با سطح برخورداری کم و ضعیف از امکانات و تغییرات جمعیتی آن‌ها طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵

مأخذ: سرشماری مرکزآمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق

الگوی فضایی گردشگری	فروانی		۱۳۸۵			۱۳۹۰			درصد رشد جمعیت (میانگین)
	تعداد	درصد	میانگین جمعیت (نفر)	جمعیت(نفر)	درصد	میانگین جمعیت(نفر)	جمعیت(نفر)	درصد	
فاقد الگو	٦١٦	۷۸/٦	۳۲۵	۱۹۹۹۹۵	٦۹/٦	۳۳۹	۲۰۸۷٦۰	۷۰/٦	-۵/٦٤
گردشگری طبیعی	۱۰۱	۱۲/۹	٤٤٦	٤۵۰۰٦	۱۵/۷	٤۵۹	٤٦۳۳۵	۱۵/۷	-٦/۳٦
مذهبی	۵۷	۷/۳	۵۷۹	۳۳۰۲۹	۱۱/۵	۵۳۹	۳۰۳۹۸	۱۰/۳	-۱۲/۲۷
طبیعی و مذهبی	۱۰	۱/۳	۹۲۵	۹۲۵۲	۳/۲	۱۰۱۰	۱۰۰۹٦	۳/٤	۰/۱۹
مجموع	۷۸٤	۱۰۰	۳٦٦	۲۸۷۲۸۲	۱۰۰	۳۷۷	٦٤۵۰۷۳	۱۰۰	-/۲۵٦

با توجه به جدول فوق می‌توان تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی روستاهای سطح یک (بهره‌مندی کم از امکانات) را از نظر دو شاخص میانگین و نرخ رشد جمعیت مورد ارزیابی قرار داد. از نظر شاخص میانگین جمعیت، بیشترین مقدار رشد مربوط به روستاهایی است که دارای هر دو الگوی گردشگری طبیعی و مذهبی می‌باشند. به گونه‌ای که میانگین جمعیت آن-ها از ۹۲۵ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۱۰ نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. همچنین، این روستاها دارای نرخ رشد ۰/۱۹ در مدت یادشده هستند که در مقایسه با سایر روستاها وضعیت بهتری را نشان می‌دهند. در مقابل روستاهایی که دارای الگوی فضایی گردشگری طبیعی یا مذهبی به تنهایی هستند، رشد جمعیت منفی را نشان می‌دهند که این مسئله به‌ویژه در روستاهای دارای جاذبه مذهبی بیشتر است. در مجموع در روستاهای سطح یک با اینکه میانگین جمعیت روستاهای دارای الگوی گردشگری بیشتر از سایر مجموع روستاهای واقع در

این سطح است، اطلاعات مربوط به نرخ رشد جمعیت نشان می‌دهد که نرخ کـاهش جمعیـت در این روستاها در مقایسه با مجموع روستاها، وضعیت مناسـبی را نـدارد. نقشـهٔ زیـر بیـانگر موقعیت این روستاها در استان و نوع الگوی گردشگری آن‌هاست.



شکل ٤- پراکنش روستاها با سطح برخورداری کم از امکانات بر اساس الگوی فضایی گردشگری

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

۲- روستاهای سطح دو (روستاهای با سطح برخورداری متوسـط): از مجمـوع روسـتاهای واقع در این سطح، ۲۵/۱٪ دارای الگوی گردشگری طبیعی، ۸/۱٪ گردشـگری مـذهبی و ۲/٤٪ نیز دارای مجموع الگوی گردشگری طبیعی و مذهبی هسـتند. همچنـین، ٦٤/٤٪ از روسـتاهای واقع در این سطح نیز فاقد هر گونه الگوی گردشگری می‌باشند. بررسی‌های صورت گرفته در خصوص این روستاها نشان می‌دهد که:

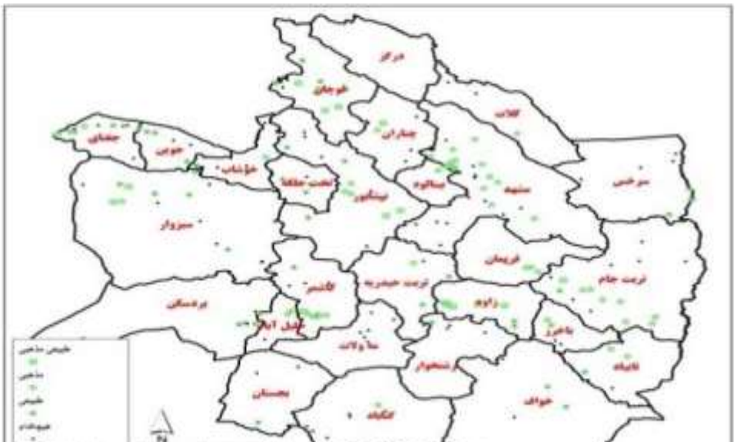
- روستاهای دارای هر دو گونه الگـوی گردشـگری، میـانگین جمعیـت بالـاتری را نسبت به مجموع روستاها نشان می‌دهند.
- شـاخص نـرخ رشـد جمعیـت طـی دورهٔ مـورد بررسـی، در روسـتاهای دارای گردشگری مذهبی و روستاهای دارای مجموع الگوی گردشگری مذهبی و طبیعی در مقایسه با سایر روستاها وضعیت بهتری را نشان می‌دهد.

- میانگین جمعیت روستاهای دارای هر دو جاذبهٔ مـذهبی و طبیعـی در مقایسـه بـا سایر روستاها در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سـال ۱۳۸۵ افـزایش پیـدا کـرده اسـت (جدول ٦ و شکل ۵).

جدول ٦- الگوهای فضایی گردشگری در روستاهای با سطح برخورداری متوسط از امکانات و تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) آنها طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵

مأخذ: سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و یافته‌های تحقیق

الگوی فضایی گردشگری	فراوانی		۱۳۸۵			۱۳۹۰			درصد رشد جمعیت (میانگین)
	تعداد	درصد	میانگین جمعیت (نفر)	جمعیت (نفر)	درصد	میانگین جمعیت (نفر)	جمعیت(نفر)	درصد	
فاقد الگو	۱۲۳۲	٦٤/٤	۳٤۸	٤۲۸۳٥٤	٥٤	۳۱٤	۳۸۷۰٥۹	٥۳/۳	-٥/٥۷
گردشگری طبیعی	٤۸۱	۲٥/۱	٥۰۲	۲٤۱٤۰۲	۳۰/٤	٤٥٥	۲۱۹۰۹۳	۳۰/۲	-۸/۱۹
مذهبی	۱٥٥	۸/۱	٦۱٦	۹٥٤٥۷	۱۲	٥۸۲	۹۰۱۷۸	۱۲/٤	-۲/٥٦
طبیعی و مذهبی	٤٥	۲/٤	٦۳٤	۲۸٥۱٤	۳/٦	٦٦۲	۲۹۷٦۹	٤/۱	-۱/٤۹
مجموع	۱۹۱۳	۱۰۰	٤۱٥	۷۹۳۷۲۷	۱۰۰	۳۸۰	۷۲٦۰۹۹	۱۰۰	-٥/۸۲



شکل ۵- پراکنش روستاهای با سطح برخورداری متوسط از امکانات بر اساس الگوی فضایی گردشگری

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

۳-روستاهای سطح سه (روستاهای با سطح برخورداری بالا): در ٤٥/۳٪ از ایـن روسـتاها، الگوی گردشگری مذهبی و طبیعی قابل مشاهده است که در این بین ۲/۹٪ روستاها دارای هـر دو الگو گردشگری مذهبی و طبیعی می‌باشند و در ٥٤/۷٪ روستاها نیز الگو گردشگری مذهبی و طبیعی مشاهده نمی‌شود. اطلاعات به دست آمده از روسـتاهای واقـع در ایـن سـطح حـاکی است:

روستاهای دارای الگو گردشگری مذهبی از نظر شاخص میانگین جمعیـت، در مقایسـه بـا سایر روستاها رقم بالایی را نشان می‌دهند. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ میانگین جمعیت آن‌هـا برابر ۱۱٥۲ نفر می‌باشد که در مقایسه با میانگین جمعیـت مجمـوع روسـتاهای واقـع در ایـن سطح (۷۱۰نفر)، تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد.

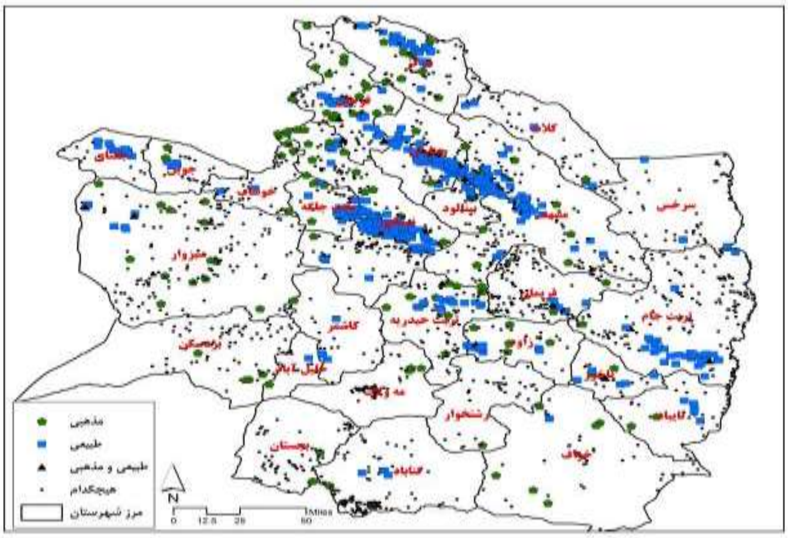
از نظر شاخص نرخ رشد جمعیت، آمار بیانگر وضعیت مناسب‌تر روسـتاهای دارای جاذبـهٔ مذهبی در مقایسه با سایر روستاهاست. به گونه‌ای که این رقم بـرای روسـتاهای دارای جاذبـهٔ مذهبی معادل ۱/۹- و برای مجموع روستاها معادل ٤/۰٤ - است.

در مجموع در ایـن سـطح، روسـتاهای دارای الگـو گردشـگری، از نظـر شـاخص درصـد جمعیت‌پذیری در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵، دارای رشد مثبت بوده‌اند؛ در حالی کـه در سایر روستاها، این نقش کاسته شده است (جدول ۷ و شکل ٦)

جدول ۷- الگوهای فضایی گردشگری در روستاهای با سطح برخورداری بالا از امکانات و تغییرات جمعیتی آن‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰

مأخذ: سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و یافته‌های تحقیق

الگوی فضایی گردشگری	فروانی		۱۳۸۵			۱۳۹۰			درصد رشد جمعیت (میانگین)
	تعداد (نفر)	درصد	میانگین جمعیت(نفر)	جمعیت (نفر)	درصد	میانگین جمعیت (نفر)	جمعیت (نفر)	درصد	
فاقد الگو	٤۹۷	٥٤/۷	٦٤۸	۳۲۲۰٥۱	٤۸/۸	٥۹٥	۲۹٥۸۲٦	٤٥/۹	-٤/۹۳
گردشگری طبیعی	۲۸۹	۳۱/۸	٦۸۰	۱٦٦٤۲۹	۲۹/۸	۷۰٤	۲۰۳۳٥۳	۳۱/٥	-۳/۳۸
مذهبی	۹۷	۱۰/۷	۱۱۲٤	۱۰۸۹۸۰	۱٦/٥	۱۱٥۲	۱۱۱۷٥٤	۱۷/۳	-۱/۹۰
طبیعی و مذهبی	۲٦	۲/۹	۱۲٤۹	۳۲٤۷٥	٤/۹	۱۳۱۳	۳٤۱٤۰	٥/۳	-۳/۹۲
مجموع	۹۰۹	۱۰۰	۷۲٦	٦٥۹۹۳٥	۱۰۰	۷۱۰	٦٤٥۰۷۳	۱۰۰	-٤/۰٤



شکل ٦- پراکنش روستاها با سطح برخورداری بالا از امکانات و الگوی فضایی گردشگری

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

در مجموع از بررسی سطوح همگن روستایی این نکته حاصل می‌شود که شاخص‌های مربوط تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) در روستاهای دارای الگو فضایی گردشگری و فاقد الگوی گردشگری در داخل سطوح همگن، با یکدیگر متفاوت است و بیانگر تجربهٔ متمایز این روستاها در این خصوص می‌باشد. با اینحال این سؤال اساسی مورد توجه است که آیا وجود یا عدم وجود این الگوهای فضایی به عنوان یک عامل تاثیرگذار، نقشی در این تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) دارد یا نه؟ به عبارت دیگر چه میزان از تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی استان متأثر از عامل وجود یا عدم وجود الگوهای فضایی گردشگری است؟ به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال و تبیین این نقش در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

ذ) تبیین جایگاه الگوهای فضایی گردشگری (با تأکید بر گردشگری طبیعی و مذهبی) در تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی استان طی سال‌های اخیر:

به منظور تبیین این جایگاه، ضرورت بهره‌گیری از مدل‌های مبتنی بر روش‌های رگرسیونی ضروری است. در مدل رگرسیونی مورد استفاده، براساس داده‌های موجود، معادله‌ای جهت

تعیین نقش متغیرهای مستقل(Xi) در تبیین متغیر وابسته(Y) به دست خواهد آمد. به شکل خاص متغیرهای مستقل در این معادله شامل روستاهای با الگوی فضایی گردشگری مذهبی(X1) ، روستاهای با الگوی فضایی گردشگری طبیعی(X2) و روستاهای دارای الگوی فضایی گردشگری مذهبی و طبیعی (X3) می‌باشند. در مقابل متغیر وابسته شامل طبقات نرخ رشد جمعیت روستایی طی بازهٔ زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۰ (Y)، شامل ۵ طبقهٔ نرخ رشد بالا (بیش از ۳+٪)، نرخ رشد متوسط (۱+ تا ۲/۹۹٪) نرخ رشد تقریبا ثابت (۹۹۹٪+ تا ۹۹۹-٪)، نرخ رشد پایین (۱-٪ تا ۲/۹۹٪- و نرخ رشد بسیار پایین (بیش از ۳-٪) است. در این رابطه با توجه به نوع و جنس متغیرهای مورد استفاده، از از روش رگرسیون لجستیک ترتیبی و تابع پیوندی Complementary log-log بهره گرفته شده است که اساس این روش، پیش‌بینی تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) و بیان نقش الگوی فضایی گردشگری در این تغییرات است.

نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون لجستیک در هر یک از سطوح همگن روستایی نشان داد که:

۱-آزمون نسبت احتمال یا نسبت احتمال مدل نهایی به مدل (صفر): بیانگر این موضوع است که اگر آماره کای اسکوئر در سطح کوچکتر از ۰/۰۵ باشد، آنگاه مشخص می‌شود که مدل نهایی، مدل صفر را منتفی می‌کند. به عبارتی، متغیرهای مستقل قادرند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. در این خصوص نتایج بدست آمده در جدول زیر نشان می‌دهد، در هر یک از سطوح همگن روستایی با توجه به سطح معنا داری آزمون خی دو، متغیرهای مستقل (الگوهای فضایی گردشگری روستایی)، قادر به تبیین متغیر وابسته (تغییرات جمعیتی **روستاها**) می‌باشند (جدول ۸).

جدول ۸- نتایج بدست آمده از آزمون نسبت احتمال به تفکیک خوشه‌های همگن روستایی در خصوص اثرگذاری الگوهای فضایی گردشگری بر تغییرات جمعیت روستایی در نقاط روستایی استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

Sig.	df	Chi-Square	-2 Log Likelihood	Model	سطوح همگن روستایی
/000	6	76/786	181/347	Intercept Only	سطح یک (روستاهای دارای برخورداری کم)
			104/560	Final	
/000	6	39/882	132/463	Intercept Only	سطح دو (روستاهای دارای برخورداری متوسط)
			92/581	Final	
/002	6	21/136	100/343	Intercept Only	سطح یک (روستاهای دارای برخورداری بالا)
			79/206	Final	

۲- سطح برازش مدل: بیانگر آن است که چه مقدار نسبت درست نمایی برای به دست آوردن مدلی خوب مناسب است. این مدل براساس دو آمارۀ کای اسکوئر پیرسون و کای اسکوئر، صورت می‌پذیرد. در واقع این آماره به آزمون این موضوع می‌پردازد که آیا داده‌های مشاهده شده با مدل برازش شده ناهمسازند یا خیر؟ به عبارتی اگر سطح معنی‌داری آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ باشد در آن صورت مدل رگرسیونی مدل مناسبی نیست. نتایج به دست آمده از این آزمون در خصوص موضوع مورد مطالعه بیانگر عدم معنی‌داری آن و نشان‌دهندۀ تناسب مورد قبول متغیرهای مستقل و وابسته با یکدیگر است که به تفکیک در تمامی سطوح همگن روستایی قابل مشاهده است. بنابراین، می‌توان گفت در هر سه سطح خوشه‌های همگن روستایی در استان، الگوهای فضایی گردشگری تناسب قابل قبولی با تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی دارند و این الگوهای فضایی به خوبی قادرند تا تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی روستاهای استان را پیش‌بینی کنند (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج به دست آمده از سطح برازش مدل تحلیل رگرسیونی به تفکیک خوشه‌های همگن روستایی در خصوص میزان اثرگذاری الگوهای فضایی گردشگری بر تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیت روستایی استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

سطوح همگن روستایی	Model	Chi-Square	df	Sig.
سطح یک (روستاهای دارای برخورداری کم)	Pearson	۱۱/۱٦۰		/۰۸٤
	Deviance	۱۱/۰۲٥	٦	/۰۸۸
سطح دو (روستاهای دارای برخورداری متوسط)	Pearson	۹/۷۱٦	٦	/۰۱۳۷
	Deviance	۹/٤۲٥	٦	/۰۱٥۱
سطح یک (روستاهای دارای برخورداری بالا)	Pearson	٤/٤۷۳	٦	/۰٦۱۳
	Deviance	٤/٤٥۸	٦	/۰٦۱٥

۳- میزان نقش الگوهای فضایی گردشگری در تبیین تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی در روستاهای استان: در مدل رگرسیون لجستیک از ضریب پزودو برای تبیین متغیرهای مستقل در متغیر وابسته استفاده می شود. این ضریب شامل سه ضریب "کاکس و اسنل[1]"، "نیجل کرک[2]" و "مک فادن[3]" می‌شود. نتایج به دست آمده از ضرایب تعیین (جدول زیر) نشان می‌دهد که فاصلهٔ زیادی با عدد (۱) دارند. به عبارتی، متغیرهای مستقل توانسته‌اند تنها بین ۲,۳٪ تا ۰,۷٪ از تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی را تبیین کنند که این میزان در سطوح همگن روستایی تفاوت کمی را با هم نشان می‌دهد. به گونه‌ای که در روستاهای سطح ۱ و سطح ۲، این ضریب بین ۲,۱٪ تا ۰,۷٪ و در روستاهای سطح ۳ بین ۲,۳٪ تا ۰,۷٪ است. در مجموع ضرایب یاد شده بیانگر اثرگذاری بسیار کم الگوهای فضایی گردشگری بر تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستاهای استان طی سال‌های اخیر است (جدول ۱۰).

1. Cox & Snell
2. Nagelkerke
3. Mc Fadden

جدول۱۰- میزان نقش الگوهای فضایی گردشگری در تبیین تغییرات (افزایش یا کاهش) جمعیتی در روستاهای استان به تفکیکی خوشه های همگن روستایی

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

سطح یک (روستاهای دارای برخورداری بالا)	سطح دو (روستاهای دارای برخورداری متوسط)	سطح یک (روستاهای دارای برخورداری کم)	سطوح همگن روستایی
/۰۲۲	/۰۲۰	/۰۲۰	ضریب کاکس و اسنل
/۰۲۳	/۰۲۱	/۰۲۱	ضریب نیجل کرک
/۰۰۷	/۰۰۷	/۰۰۷	ضریب مک فادن

٤-تخمین میزان اثرگذاری هریک از متغیرهای مستقل در متغیر وابسته: جدول متغیرهای باقیمانده در معادله (جدول زیر)، ضمن ارائهٔ خلاصه‌ای از نقش هر متغیر در مدل، نشان می‌دهد که کدام متغیرها بعد از اجرای رگرسیون لجستیک، در مدل باقی مانده‌اند. در این جدول برای برآوردهای متغیرها، خطاهای انحراف استاندارد، آزمون‌های معنی‌داری و فواصل اطمینان برای تمامی پارامترهای مدل به تفکیک آمده است که برای تفسیر آن‌ها ضرورت توجه به معنی‌داری برآوردها و آماره "والد" می‌باشد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- تخمین میزان اثرگذاری هر یک از الگوهای فضایی گردشگری بر تغییرات جمعیتی(افزایش یا کاهش) روستایی در استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۷

95% Confidence Interval: Upper Bound	95% Confidence Interval: Lower Bound	Sig.	df	Wald	Std. Error	Estimate		
-٤/٤٧٦	-٣/٠٥٥	/٠٠٠	١	٣١/٦٣١	/٤٠٣	-٢/٢٢٦		عرض از مبدأ
-/٦٤٠	-١/٧٨٧	/٠٠٠	١	١٧/١٨٧	/٢٩٣	-١/٢١٣	رشد=٢	
/٤٧٠	-/٣٣٢	./٧٣٦	١	.١١٤	/٢٠٥	.٦٩٠	رشد=٣	
١/٥٨٣	/٧٣٠	/٠٠٠	١	٢٨/٢٣١	/٢١٨	١/١٥٦	رشد=٤	
/٥٩٢	/١٧٤	/٠٠٠	١	٢٢/٥٦١	/٠٥٤	/٢٥٤	(امامزاده)	روستاهای سطح یک (سطح برخورداری کم)
/٥٩٢	/١٧٤	/٠٠٠	١	١٢/٩٤٦	/١٠٦	/٣٨٣	(هردو الگو)	
/٠٦٢	-/١٠٠٠	/٦٥١	١	.٢٠٥	/٠٤١	/٠١٩	(طبیعی)	

ادامه جدول ١١

95% Confidence Interval		Sig.	df	Wald	Std. Error	Estimate		
Upper Bound	Lower Bound							
٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	(فاقد جاذبه)	روستاهای سطح یک (سطح برخورداری کم)
/٣٥٧	/٠٦١	/٠٠٦	١	٧/٦٨٠	/٠٧٥	/٢١٩	(امامزاده)	روستاهای سطح دو (سطح برخورداری متوسط)
/٦٠٥	/٠٣٢	/٠٢٩	١	٤/٧٦٠	/١٤٦	/٣١٩	(هردو الگو)	
–/٠١٢	–/٢٣٨	/٠٣٠	١	١٤/٦٨٩	/٠٨٥	–/١٢٥	(طبیعی)	
٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	(فاقد جاذبه)	
/٤٣٥	/٠٦٣	/٠٠٩	١	١٦/٩٠٧	/٠٩٥	/٢٤٩	(امامزاده)	روستاهای سطح سه (سطح برخورداری بالا)
/٦٧٧	–/٠٤٧	/٠٨٨	١	٢/٩١٣	/١٨٥	/٣١٥	(هردو الگو)	
/١٦٨	–/١١٧	/٧٢٨	١	.١٢١	/٠٧٣	/٠٢٥	(طبیعی)	
٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	(فاقد جاذبه)	
Link function: Complementary Log-log.								
a. This parameter is set to zero because it is redundant.								

با توجه به جدول فوق می‌توان اثرات الگوهای فضایی گردشگری (گردشگری طبیعی و مذهبی) در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) نواحی روستایی استان را به تفکیک سطوح همگن به شرح زیر بیان نمود:

الف) روستاهای سطح یک: در این خوشه با توجه به سطح معناداری آزمون، می‌توان به نقش روستاهای دارای الگوی گردشگری مذهبی و روستاهای دارای هر دو الگوی گردشگری مذهبی و طبیعی در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) اشاره کرد که با توجه به ضریب و جهت تأثیر این متغیرها، می‌توان گفت که این تاثیر مثبت و مستقیم است. به عبارتی، با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت روستاهای با الگوی گردشگری مذهبی به تنهایی و روستاهای با الگوی گردشگری طبیعی و مذهبی با یکدیگر، نقش مستقیمی در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی استان طی سال‌های اخیر داشته‌اند. همچنین، مقادیر مرتبط با آمارۀ Estimate بیانگر سهم هر یک از متغیرها در تغییرات جمعیتی (افزایش یا

کاهش) است که براساس آن می‌توان گفت در روستاهای سطح یک، روستاهایی که دارای گردشگری مذهبی هستند این الگو به میزان ۲۵/٤٪ از تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) و در روستاهایی که دارای هر دو الگو گردشگری مذهبی و طبیعی هستند این الگو ۳۸/۳ از تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) آن‌ها را تبیین می‌کند. در این سطح، گردشگری طبیعی به تنهایی نقشی در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستاها ندارند.

ب) روستاهای سطح دو: با توجه به نتایج آماری در این سطح، الگوهای گردشگری در نقاط روستایی استان توانسته‌اند تا اندازه‌ای نسبت به تبیین تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) اثرگذار باشند. به گونه‌ای که اثرگذاری روستاهای دارای گردشگری مذهبی بر تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) شان برابر ۲۰/۹٪، در روستاهای دارای گردشگری طبیعی معادل ۱۲/۵-٪ و روستاهای دارای هر دو الگو گردشگری طبیعی و مذهبی برابر ۳۱/۹٪ است. نکتهٔ قابل توجه در این تحلیل، اثرگذاری معکوس الگوی گردشگری طبیعی بر تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) است. به گونه‌ای که در روستاهای این سطح اثر معکوس بر تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) داشته است.

ج) روستاهای سطح سه: در ارتباط با این روستاها نتایج مندرج در جدول، بیانگر آن است که تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش)، تنها در روستاهایی که دارای الگوی گردشگری مذهبی بوده‌اند قابل تبیین است و در ارتباط با سایر الگوها، رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود. به عبارتی در این سطح در مقایسه با سطوح دیگر، الگوهای گردشگری نقش کمتری در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی دارند.

٦. نتیجه‌گیری

این مطالعه بخش مهمی از واقعیت پنهان در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) سکونت‌گاه‌های روستایی استان خراسان رضوی را آشکار کرد و در واقع آن میزان اثرپذیری تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی از الگوهای فضایی گردشگری موجود در نقاط روستایی است. نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان می دهد که:

پهنهٔ فضایی استان به دلیـل وسـعت و تنـوع، عرصـهٔ مناسـبی جهـت رونـق فعالیـت‌هـای گردشگری به‌ویژه گردشگری روستایی است. وجود ۳۹۰ نقاط روستایی دارای بقعهٔ امامزاده و ۹۵۲ نقطهٔ روستایی دارای الگوی گردشگری طبیعی حکایت از این موضوع دارد و ایـن خـود می‌تواند بستر مهمی در تحولات و توسعهٔ آیندهٔ روستایی استان باشد.

با اینحال وجود این الگوهای فضایی تاکنون زمینه‌ساز بهره‌مندی مناسب جامعهٔ روستایی از آن را فراهم نکرده است. به گونه‌ای که در حال حاضر بخش مهمی از جمعیت روستایی استان طی سالیان اخیر مجبور به ترک نواحی روستایی و مهاجرت به سمت شهرها شده‌اند.

از سوی دیگر بررسی تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) در روستاهای دارای جاذبه‌های گردشگری نیز روند مناسبی را نشان نمی‌دهد؛ چرا که در هر یک از سطوح همگـن روسـتایی، نرخ منفی جمعیت قابل مشاهده است.

بررسی روند تغییرات جمعیتی روسـتاهای دارای جاذبـهٔ مـذهبی، بیـانگر آن اسـت کـه بـا افزایش سطح خدمات در نواحی روستایی از میزان کاهش جمعیت این روسـتاها کاسـته شـده است. به نوعی می‌توان گفت در روستاهای دارای جاذبهٔ مذهبی، کمبـود امکانـات و خـدمات مانع مهمی در خصوص بهره‌گیری از گردشگری موجود در این روستاها بوده است.

همچنین در روستاهای دارای الگو گردشگری طبیعی، بررسی تغییرات جمعیتی (افزایش یـا کاهش) نشان دهندهٔ همین وضعیت با اندکی تفاوت است. با اینحال میزان کاهش جمعیـت در روستاهای با سطح امکانات مناسب بیشتر از روستاهای دارای الگـوی گردشـگری مـذهبی در این سطح است. به عبارتی می توان گفت، میزان بهره‌مندی جمعیـت روسـتایی از گردشـگری مذهبی بهتر و مناسب‌تر از روستاهای دارای الگوی گردشگری طبیعی بوده است.

در خصوص وجود هر دو نوع گردشگری در نقاط روستایی به تفکیک خوشه‌های همگـن روستایی نتایج به دست آمده بیانگر وضعیت متفاوت این با سایر روستاهاست. به گونـه‌ای کـه در روستاهای با سطح برخورداری کمتر از امکانات، نرخ رشد جمعیت وضعیت مناسـب‌تـری را در مقایسه با روستاهای دارای بهره‌مندی بهتر از امکانات نشان می‌دهد. ایـن وضـعیت مـی-تواند ناشی از این عامل باشد که در روستاهای با بهره‌مندی کمتری از امکانات، تکیهٔ بیشـتری بر بهره‌گیری از جاذبه‌های گردشـگری اسـت. در مقابـل روسـتاهای بـا بهـره‌منـدی بیشـتر از

خدمات، به دلیل وجود فرصت‌های دیگر، الگوهای فضایی گردشگری کمتر مورد توجه واقع شده‌اند.

در مجموع برآیند کلی از تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستاهای استان در ارتباط با عامل تأثیرگذار وجود الگوهای فضایی گردشگری، مبین آن است وجود الگوهای گردشگری نقش چندانی در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی استان ندارند و در شرایط کنونی روند تغییرات تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی استان متأثر از عوامل دیگر است. به عبارتی دیگر، افزایش درآمد و اشتغال، از جمله عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی به شمار می‌رود، اما با وجود الگوهای متعدد گردشگری در نقاط روستایی استان، زمینهٔ بهره‌برداری و بهره‌گیری بهینه از این الگوها فراهم نشده است. بنابراین، با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان به فرضیهٔ تحقیق اینگونه پاسخ داد که الگوهای فضایی گردشگری نقش چندانی در تغییرات جمعیتی (افزایش یا کاهش) روستایی استان ندارند و فرضیهٔ مطالعه تأیید نمی‌شود.

کتاب‌نامه

۱. بدری، س. ع؛ رکن‌الدین افتخاری، ع؛ اکبریان رونیزی، س. ر؛ رضوانی، م. (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی گردشگری خانه‌های دوم با گردشگری روزانه بر نواحی روستایی با رویکرد گردشگری پایدار. *مجلهٔ پژوهش‌های روستایی، (٤)*، ٦٢–٣٥.

۲. بمانیان، م. ر؛ محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۸). *مبانی برنامه‌ریزی و توسعهٔ گردشگری روستایی*. تهران: انتشارات هله و طحان.

۳. تقوایی، م؛ موسوی، س. ع؛ غلامی بیمرغ، ی. (۱۳۸٦). تحلیلی بر توسعهٔ گردشگری مذهبی (مطالعهٔ موردی: شهرستان نورآباد ممسنی). *فصل‌نامهٔ فضای جغرافیایی*، (۳۱)، ٦٤–۳۹.

٤. حاجی نژاد، ع؛ پایدار، ا؛ باقری، ف؛ عبدی، ن. (۱۳۹٤). تدوین برنامهٔ راهبردی توسعهٔ گردشگری روستایی ایران. *فصل‌نامهٔ سیاست‌های راهبردی و کلان*، (٤)، ۱۳۵–۱۱۱.

۵. خاتون آبادی، س. ا؛ راست قلم، م. (۱۳۹۰). سنجش ارکان چهارگانهٔ گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک سوات (مطالعهٔ موردی: روستاهای هدف گردشگری استان چهارمحال و بختیاری). *نشریهٔ اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی*، (۳)، ۳۳۸–۳۳۳.

٦. خاموشی، س؛ پاپ زن، ع. (۱۳۸٦). *توریسم روستایی، جاذبه‌ها و موانع گسترش مطالعه در روستاهای علیا، سفلی و عین القاص شهرستان صحنه*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ مهندسی کشاورزی گرایش توسعهٔ روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه. ایران.

۷. رضوانی، ع. ا. (۱۳۸۲). اکوتوریسم و نقش آن در حفاظت محیط زیست. *مجلهٔ محیط شناسی*، (۳۱)، ۱۲۲-۱۱۵.

۸. رضوانی، م. ر؛ منصوریان، ح. (۱۳۸٤). گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران). *مجلهٔ پژوهش‌های جغرافیایی*، (٥٤)، ۱۲۱-۱۰۹.

۹. رکن‌الدین افتخاری، ع؛ پورطاهری، م؛ مهدویان، ف. (۱۳۹۰). اولویت‌بندی ظرفیت‌های گردشگری منطقهٔ روستایی شهرستان نیر. *فصل‌نامهٔ جغرافیا و توسعه*، (۲٤)، ۳۸-۲۳.

۱۰. رکن‌الدین افتخاری، ع؛ قادری، ا. (۱۳۸۱). نقش گردشگری روستایی در توسعهٔ روستایی نقد و تحلیل چارچوب‌های نظریه‌ای. *فصل‌نامهٔ مدرس علوم انسانی*، (۲۵)، ٤۰-۲۳.

۱۱. رکن‌الدین افتخاری، ع؛ مهدوی، د. (۱۳۸۵). راهکارهای توسعهٔ گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT. *فصل‌نامهٔ مدرس علوم انسانی*، (٤٥)، ۳۰-۱.

۱۲. سامیان، م؛ بلالی، ح. (۱۳۹۲). بررسی آثار اقتصادی - اجتماعی گردشگری روستایی با استفاده از رویکرد سیستمی (مطالعهٔ موردی: روستای فرجین در همدان). *مجلهٔ برنامه‌ریزی و توسعهٔ گردشگری*، (٤)، ۱۸۰-۱۵۹.

۱۳. شریف‌زاده، ا؛ مرادی‌نژاد، ه. (۱۳۸۱). توسعهٔ پایدار گردشگری روستایی. *ماهنامهٔ اجتماعی - اقتصادی جهاد سازندگی*، شمارهٔ ۲۵۰-۲۵۱، ٦۳-۵۲.

۱٤. صالحی‌فر، م. (۱۳۸۹). *گردشگری روستایی، مبانی برنامه‌ریزی و طرح‌های ساختاری*. مشهد: نشر: مرندیز.

۱۵. طالب، م؛ بخشی‌زاده، ح؛ میرزایی، ح. (۱۳۸۷). مبانی نظری مشارکت اجتماعی روستایی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در ایران. *فصل‌نامهٔ روستا و توسعه*، (۵۵)، ۲۵-٤.

۱٦. طالب، م؛ میرزایی، ح؛ بخشی زاده، ح. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی تعاملی گردشگری روستایی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی. *فصل‌نامهٔ پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۱۷، ۳٤-۱۹.

۱۷.عینالی، ج؛ جعفری، غ؛ تبیره، ا. (۱۳۹۳). ارزیابی نقش اکوتوریسم در توسعهٔ مناطق روستایی (مطالعهٔ موردی: دهستان اورامان تخت – شهرستان سروآباد). *مجلهٔ برنامه‌ریزی و توسعهٔ گردشگری*، (۹)، ۱۱۱–۹۱.

۱۸.فنل، د. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر طبیعت‌گردی*. (ترجمه، ج. ولادی). مازندران: انتشارات دانشگاه مازندران.

۱۹.قدیری معصوم، م، پازکی، م. (۱۳۷۸). نقش گردشگری روستایی در توسعهٔ پایدار روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان پاکدشت)، *مجلهٔ جغرافیای سرزمین*، (۱۸)،۲۲–۱۳.

۲۰.قدیری معصوم، م؛ استعلاجی، ع؛ پازکی، م. (۱۳۸۹). *گردشگری پایدار (روستایی و عشایری)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۱.قهرمانی، ن. (۱۳۸٦). *نقش گردشگری روستایی در توسعهٔ روستایی مطالعهٔ موردی: دره کن و سولقان شهرستان تهران*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

۲۲.محمدی یگانه، ب؛ چراغی، م؛ ولائی، م. (۱۳۹۲). نقش گردشگری مذهبی در توسعهٔ روستایی، با تأکید بر کیفیت زندگی و سرمایهٔ اجتماعی (مطالعهٔ موردی؛ روستای قپچاق شهرستان میاندوآب). *نشریهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، (۲۵)، ۳۰–۷.

۲۳.مهدوی حاجیلویی، م؛ قدیری معصوم، م؛ قهرمان، ن. (۱۳۷۸). آثار گردشگری بر توسعهٔ روستایی با نظرسنجی از روستاییان دره کن و سولقان. *فصل‌نامهٔ روستا و توسعه*، (۲)، ٦۰–۳۹.

۲٤.مومنی، م؛ صرافی، م؛ قاسمی خوزانی، م. (۱۳۸۷). ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی – فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد. *مجلهٔ جغرافیا و توسعه*، (۳۸)، ۱۳–۱۱.

۲۵.هاشمی، ن. (۱۳۸۹). نقش اکوسیستم در توسعهٔ پایدار روستایی. *فصل‌نامهٔ روستا و توسعه*، (۳)، ۱۷۳–۱۸۸.

۲٦.–یاری حصار، ا؛ مهدوی، د؛ حیدری ساربان، و؛ ابراهیمی، خ. (۱۳۹٤). پایش چرخهٔ حیات گردشگری پایدار، مطالعهٔ موردی: روستاهای هدف گردشگری استان اردبیل. *فصل‌نامهٔ مدرس علوم انسانی*، (٤)، ۲۱۵–۱۸٦.

27. Buhalis, D. Costa, C. & Ford, F. (2006). *Tourism business frontiers*. London, England: Routledge.
28. Hara, T. (2008). *Quantittative tourism industryanalysis: Introduction to input-output, social accounting matrix modeling and tourism satellite accounts*. Oxford: Butterworth-Heinemann.

29. Holland, J., Burian, M. Dixey, L . (2003). Tourism in poor rural areas: Diversifying the product and expanding the benefits in Rural. *PPT Working* ,No 12. Retrieved May 16, 2018, from https:// assets. publishing. service.gov.uk/ media/ 57a08d06e5274a27b20015a7/R8120-PPT12.pdf
30. Jiang, J. (2008). *Evaluation of the potential of ecotourism to contribute to local sustainable development: A case study of Tengtou Village, China*. (Unpublished master’s thesis). Massey University, New Zealand.
31. Kim, M.-K. (2005). Determinants of Rural Tourism and Modeling Rural Tourism Demand in Korea.
32. Meyer, G. (2004). New Research Network forIslamic Tourism. Islamic Tourism, Retrievd 36 March, 2017, from http:// www. islamictourism. com/ PDFs/ Issue%2011/English/42%20Network%20reaserch.pdf.
33. Nolan, M. L., & Nolan, S. (1992). *Christian Pilgage in Modern Western Europe*. Chapel Hill: The University of North Carolina Press.
34. Sazbo, B. (2005). Rural tourism as altrnative income souecefor rural areas along the hortobagy. *Jahrbuch der Österreichischen Gesellschaft für Agrarökonomie*, *12*, 179-190.
35. Sebele, L. (2010). Community-based tourism ventures, benefits and challenges: Khama Rhino Sanctuary Trust, Central District, Botswana. *Journal of Tourism Management*, *31*(1), 136-146.
36. Soteriades, M., Tyrogala, E., & Varvaressos, S. (2009). Contribution of networking and clustering in rural tourism business, tourism: An international multidisciplinary. *Journal of Tourism*, *4*(11), 35-56.
37. Vázquez de la Torre, MGM, Trechera Herreros, GL., & Fernández, E. (2012). Rural tourism as an alternative to the development for rural areas and the creation of employment. *International Journal of Humanities and Social Science*, *2*, 162-174.